

دو فصل‌نامه علمی پژوهش‌نامه فرهنگ و زبان‌های باستانی  
سال دوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، صص ۶۵-۹۴  
مقاله علمی-پژوهشی

### بررسی نوشته‌های «نفرینی» در کتیبه‌های شاهی ایلامی

میلاد جهانگیرفر\*

ایرج داداشی\*\*

سید سعید سیداحمدی زاویه\*\*\*

### چکیده

این پژوهش به بررسی «نفرین» در کتیبه‌های شاهی ایلامی میانه و نو، در ارتباط با حفاظت از «نام» و یک موقعیت سیاسی ویژه، می‌پردازد. به‌طور کلی نفرین‌ها شرطی را مطرح می‌کنند که در صورت نادیده گرفته شدن، به فعلیت درآمده و از عاملی

---

\* دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشگاه هنر تهران، ایران. jahangirfar\_milad@ymail.com

\*\* استادیار گروه پژوهش هنر، دانشگاه هنر تهران، ایران. (نویسنده مسئول) dadashi@art.ac.ir

\*\*\* دانشیار گروه پژوهش هنر، دانشگاه هنر تهران، ایران. szavieh@art.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱ / ۱ / ۳۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱ / ۵ / ۱۸

انسانی یا عمدتاً غیرانسانی می‌خواهند تا فرد خطاکار را مجازات کند. هدف از این پژوهش مشخص کردن دلیل استفاده از نفرین در کتیبه‌های شاهی ایلامی است. بررسی نمونه‌های موجود در کتیبه‌ها این مسئله را روشن می‌کند که «نفرین»، ابزاری با کارکردی دوگانه، نخست به منظور حفظ «نام» پادشاه و شهبانو به کار می‌رفت. «نام» در حوزه معنایی وسیع خود «فرزند» و «ادامه نسل» را نیز شامل می‌شد. در واقع، این پژوهش نشان می‌دهد که پادشاه چگونه در قالب «نفرین» از خدایان می‌خواهد تا افزون بر نام خود، نسل شاهی را نیز از گزند حفظ کنند. کاربرد دیگر آن است که در شرایط بغرنج سیاسی، نمونه ویژه‌ای از نفرین مورد استفاده قرار گرفته است تا موقعیت شاه را همچنان پابرجا نشان دهد. از آنجا که تا کنون کمتر به مسئله نفرین در کتیبه‌های ایلامی پرداخته شده، این مطالعه گامی است به سوی پر کردن جای خالی چنین پژوهشی در حوزه ایران‌شناسی. این پژوهش، با رویکرد زبانی-تاریخی، به صورت کتابخانه‌ای و بر اساس مجموعه کتیبه‌های شاهی منتشرشده، انجام شده است.

**کلیدواژه:** نفرین؛ تحذیر؛ کتیبه‌های شاهی؛ ایلامی میانه؛ ایلامی نو.

## مقدمه

از ایلام باستان شمار نسبتاً زیادی کتیبه میخی به دست آمده است که بیشتر متعلق به دوره ایلامی میانه، حدود ۱۵۰۰-۱۰۰۰<sup>۱</sup>، و ایلامی نو، حدود ۱۰۰۰-۵۲۱<sup>۲</sup> هستند. بخشی از آنها کتیبه‌های شاهی هستند. بیشتر کتیبه‌های شاهی ایلامی متعلق به چهار پادشاه دوره ایلامی میانه یعنی اونتاش-نپیریشه (حدود ۱۳۴۰-۱۳۰۰)، شوتروک-ناهونته (حدود ۱۱۹۰-

<sup>۱</sup> تمام تاریخ‌های مذکور در این نوشتار به دوره پیش از میلاد مسیح مربوط می‌شوند.

<sup>۲</sup> بسیاری از آثار به دست آمده ایلامی الواح اداری هستند که بیشتر از شوش و تل ملیان (انشان باستانی) به دست آمده اند (از جمله ر.ک. Tavernier, 2018: 417-422).

(۱۱۵۵)، شیلهک-اینشوشینک (حدود ۱۱۵۰-۱۱۲۰)، و هوتلودوش-اینشوشینک (حدود ۱۱۲۰-۱۱۱۰) هستند. از دوره ایلامی نو کتیبه‌های چندی برجای مانده است، از جمله سنگ نوشته‌های شخصی به نام هانی در کول فرح و اشکفت سلمان در نزدیکی ایزه. در کتیبه‌های شاهی موضوعات گوناگونی از قبیل مسائل سیاسی، دینی و معماری مطرح شده است. یکی از موضوعاتی که در برخی از این نوشته‌ها به چشم می‌خورد، «نفرین» است. «نفرین» ابزاری است برای بر حذر داشتن فردی که قصد آسیب رساندن به اثری را دارد. این پژوهش بر آن است تا نشان دهد که در نوشته‌های مورد نظر، «نفرین»‌ها کارکردی دوگانه داشته‌اند. نخست آن که «نفرین» برای حفظ یک اثر، و به طور ویژه برای حفظ نام پادشاه و شهبانو و در سطحی وسیع‌تر و آینده‌نگر برای حفظ نسل شاهی، به کار می‌رفت. این موضوع بر اساس این نکته بررسی می‌شود که در شرق نزدیک باستان، «نام» در حوزه معنایی وسیع خود «فرزند» و «ادامه نسل» را نیز شامل می‌شد. کارکرد دوم «نفرین» این موقعیت را برای پادشاه ایجاد می‌کرد تا جایگاه خود را همچنان پابرجا نشان دهد؛ موضوعی که در تضاد با سایر دانسته‌های تاریخی است (ر.ک. ادامه مطلب، ذیل بحث درباره هوتلودوش-اینشوشینک).

### پیشینه پژوهش

«نفرین» در کتیبه‌های شاهی میان‌رودانی و هخامنشی و بررسی تأثیرپذیری شاهان هخامنشی از نوشته‌های مرتبط میان‌رودانی، موضوع مقاله نسبتاً مفصلی به قلم حسین بادامچی و احسان افکنده (۱۳۹۳) بوده است. مقاله دیگر با عنوان «آفرین و نفرین در آثار ایرانی باستان و میانه» به قلم مهدی دهرامی و مجتبی فهیمی‌پور (۱۳۹۶) است که به شکلی کلی‌تر به مسئله نفرین در نوشته‌های اوستایی، فارسی میانه و نیز کتیبه‌های هخامنشی می‌پردازد. نفرین و انواع آن در سنگ‌نوشته‌های شاهی اورارتویی به قلم مریم دارا (۱۳۹۷) مقاله دیگری است که در اینجا می‌توان از آن یاد کرد. افزون بر این، و در گستره

تاریخی و جغرافیایی وسیع‌تری، پژوهش دیگری درباره «نفرین» در شرق نزدیک باستان (البته بدون بررسی کتیبه‌های ایلامی و هخامنشی) به آنه ماری کیتز تعلق دارد. او در سال ۲۰۰۷ در مقاله‌ای با عنوان «نفرین و نفرین کردن در شرق نزدیک باستان» به کارکرد چنین عبارت‌هایی در نوشته‌های عبری و کتیبه‌های میان‌رودانی پرداخته است. او در سال ۲۰۱۳ نیز در کتابی با عنوان *نفرین بر تو! پدیدارشناسی نفرین کردن در نوشته‌های میخی و عبری* به بسط بیشتر نظریات خود پرداخت. همان‌طور که از عناوین این پژوهش‌ها نیز برمی‌آید، هیچ یک به «نفرین» در کتیبه‌های شاهی ایلامی نپرداخته‌اند. از آنجا که موضوع مورد بررسی، و انواع آن، در کتیبه‌های شاهی میان‌رودانی و هخامنشی پیشتر بررسی شده است، این پژوهش تمرکز خود را بر کتیبه‌های شاهی ایلامی و تنها در ارتباط با «نام» و موقعیت سیاسی پادشاهی ایلامی، به نام هوتلودوش-اینشوشینک، قرار می‌دهد.

## نفرین

دلیل اصلی جای دادن نفرین‌ها در کتیبه‌های شاهی ایلامی، نگرانی از آسیب دیدن کتیبه یا اثری است که معمولاً توسط شاه یا شهبانو ایجاد شده است. این نگرانی عمدتاً به حفظ نام و یاد سازنده اصلی اثر مربوط می‌شود.<sup>۱</sup> چنین موضوعی را نزد اقوام گوناگون می‌توان مشاهده

---

<sup>۱</sup> یکی از کاربردهای ویژه «نفرین» در پیمان‌نامه‌هاست. از نمونه‌های ایلامی پیمان‌نامه می‌توان به معاهده‌نرام-سین (که همچنین کهن‌ترین سند مکتوب شناخته شده به زبان ایلامی است) اشاره کرد (EKI 2). به گمان کامرون (1936: 33-34) شاه ایلامی طرف معاهده «هیتا» است؛ هرچند نام طرف ایلامی این پیمان و مرکز حکومت وی از خود کتیبه مشخص نیست و ظاهراً کامرون این گمان را بر اساس سال‌های حکومت نرام-سین و هم‌زمانی احتمالی او با هیتا مطرح کرده است. هیتا نام یازدهمین فردی است که در فهرست دوازده شاه آوان آمده (برای این سند، موسوم به «فهرست شاهی شوش»، ر.ک. Scheil, 1931) هرچند تا کنون از خود وی کتیبه‌ای به دست نیامده است. در پیمان‌نامه نرام-سین، که خوانش و فهم آن با دشواری‌های متعددی همراه است، به نظر می‌رسد نوعی الگوی نفرین - یا دعای خیر - قابل تشخیص باشد.

کرد. برای نمونه، از میان نمونه‌های متعدد میان‌رودانی می‌توان به کتیبه شمش-ریشه-اوصور (Šamas-rēša-ušur) اشاره نمود که در آن پادشاه هر کسی را که در آینده نام او را از کتیبه پاک کند و به جای آن نام خود را بنگارد، چنین نفرین (اکدی: *erretu*) می‌کند: «باشد که خدایان بزرگ آسمان و دنیای زیرین نام، تخمه، فرزندان و سلاله او را از دهان مردم را محو کنند (= باشد که فراموش شود)» (Frame, 1995: S.O.1001.1 iii 5-12)؛ برای کتیبه‌های هخامنشی و نگاهی به برخی نوشته‌های اوستایی ر.ک. بادامچی و افکنده ۱۳۹۳: ۹-۱۸)¹.

نفرین‌های ایلامی عموماً شرطی ضمنی را مطرح می‌کنند؛² به عبارت دیگر، چنانچه کسی شرطی را رعایت نکند، مورد نفرین قرار خواهد گرفت. به‌طور کلی این شرط حفظ اثر و نام سازنده آن است. چنانچه کسی در صدد برآید خلاف متن نوشته و خواسته پادشاه عمل کند، ادامه حیاتش مورد تهدید قرار می‌گیرد. اینکه نه تنها زندگی شخص خاطی، بلکه وجود فرزندان و آیندگانش نیز تهدید به نابودی و فراموشی می‌شود، به معنای آن است که سرنوشت انسان‌ها در گرو رفتاری است که در قبال «نام» پادشاه در پیش می‌گیرند. افزون بر این، باید توجه داشت که در خواست از خدا(یان) برای آسیب رساندن به شخصی «دیگر» هم‌زمان به معنای طلب موهبت برای «خود» است. در واقع، گوینده به دنبال آن است که نام و حضور خود را از راه آسیبی که بدین طریق به دیگری وارد می‌شود، حفظ نماید (Kitz, 2007: 616). در نفرین‌ها سه شخصیت انسانی و ایزدی را می‌توان تشخیص داد که عبارتند

---

¹ نویسندگان از دکتر جیمی نووتنی (Jamie Novotny) سپاسگزارند که بسیاری از خوانش‌های روزآمدشده کتیبه‌های شاهی آشوری و بابلی را در اختیارشان نهاد.

² از جمله ویژگی‌های نفرین‌های اصطلاحاً «شرطی» می‌توان به مجهول بودن، و آینده‌محور بودن آنها اشاره کرد. جملات نفرین‌های غیرشرطی معمولاً به زمان حال می‌پردازند و بر نیروهای متخاصم شناخته‌شده (انسان، دیو، روح یا بیماری) تمرکز می‌کنند. نوع موسوم به «قیاسی» می‌تواند شرطی یا غیرشرطی باشد (برای انواع کلی «شرطی»، «غیرشرطی» و نفرین‌های قیاسی ر.ک. Kitz, 2007: 621-625).

از گوینده، عامل و هدف. منظور از گوینده همان نفرین‌کننده است. عامل، نیرو یا موجودی است که فراخوانده می‌شود و توان آن را دارد تا شخص خطاکار را مجازات نماید. عامل عمدتاً غیرانسانی (ایزدی) است.<sup>۱</sup> هدف نیز شخص «آسیب‌رساننده» به اثر یا همان فرد «نفرین شده» است.

در نوشته‌های شاهی ایلامی می‌توان موارد متعددی از نفرین را یافت. همان‌طور که معمولاً در خود کتیبه‌ها نیز بیان شده، این نگرانی متوجه «نام» شاه یا شهبانو است. در شرق نزدیک باستان، «بدن»، «روح» و «نام» سه وجه بازنمایی هستند که «فردیت»، «شخصیت» و «هویت» کسی را تشکیل می‌دهند (Radner, 2005: 19). «صیانت نفس» از طریق «فرزند»، «شهرت» و «نام مکتوب» صورت می‌پذیرد. مورد آخر را می‌توان در کنار «تصویر» قرار داد، چرا که نام و تصویر هر دو می‌توانند ادامه حضور شخص و نیز خدایان را تضمین کنند (Radner, 2005: 74-178). «نام مکتوب» نمایانگر فردی است که «نام» به او مرتبط است. «نام مکتوب» نیز مانند «تصویر» امکان انتخاب ماده‌ای با دوام به‌عنوان بستر برای نگارش، و نیز امکان انتخاب مکانی مناسب برای قرار دادن آن را فراهم می‌سازد. بدین ترتیب، «نام» و آنچه بازمی‌نمایند می‌تواند حیات فرد را تا مدت‌ها پس از آن که شخص جسماً در گذشته است، ضمانت کند (Radner, 2005: 130). نام نه تنها به تعیین هویت پیشینیان یاری می‌رساند، بلکه با «تخمه، فرزند» (ایلامی: *par*) نیز ارتباط می‌یابد و هم‌زمان حفظ نام، ارتباط درگذشتگان با دنیای زندگان را تضمین می‌کند. قابل ذکر است که «نام»، «شهرت» و «فرزند» برخی از معانی واژه اکدی *šumu* هستند (CAD, s.v. *šumu*). درباره

---

۱ از جمله موارد استثنا می‌توان به نفرین‌های حاوی *'ārūr* (از ریشه *ārār*)، «نفرین کردن» به معنی «نفرین شده» در ادبیات عبری اشاره کرد که در آن هیچ خدایی فراخوانده نمی‌شوند. همین نکته باعث شده تا برخی آن را عبارتی «سکولار» و این موضوع را مرتبط با خاستگاه عشایری عبرانیان بدانند (Kitz, 2007: 617). برای *arāru* در ادبیات اکدی ر.ک. CAD, s.v. *arāru*.

اهمیت «نام» و «نامیدن/نامیده شدن» می‌توان به آغاز روایت آفرینش بابلی موسوم به *انوما ایش* (I 1-2) اشاره کرد که بنا بر آن:

*enūma eliš lā nabû šamāmū šapliš ammatum šuma lā zakrat*

«هنگامی که آسمان‌ها در بالا وجود نداشت و زمین در پایین وجود نداشت».

در این متن، *nabû* و *šuma zakāru* به معنی «صدا کردن» و «نامیدن» هستند. بدین ترتیب، داشتن نام و نامیده شدن راه دیگری برای گفتن آن است که چیزی وجود دارد (ر.ک. Lambert, 2013: 50, 51; Radner, 2005: 15).

به‌طور مشخص، آنچه در کتیبه‌های مورد نظر در این پژوهش مورد نفرین قرار می‌گیرد عبارتند از «نام»، «فرزند»، و دچار شدن به نفرین به صورتی کلی. گاه چنین به نظر می‌رسد که این سه مترادف یکدیگراند و لذا ذکر هم «نام» و هم «فرزند» در یک نفرین از تأکید بیشتر نفرین‌کننده خبر می‌دهد. در کتیبه‌های بررسی شده در این پژوهش، عباراتی که شامل معنای «نفرین» هستند را می‌توان در چند الگوی اصلی مشاهده کرد. از جمله، عباراتی که شامل واژه *hat* است که آن را «نفرین، ترس» ترجمه می‌کنیم. مورد دیگر استفاده از فعل *suku* به معنی «حذف کردن، از میان بردن» (به صورت تمنایی و مجهول: *sukukna*) است (برای *suku*- ر.ک. Tavernier, 2016). افزون بر این، دست کم در یک مورد از واژه *hih* استفاده شده که آن را می‌توان نوعی نیروی قهریه دانست. به نظر می‌رسد که استفاده از واژه اخیر در کنار *hat* نشانی از تأکید باشد (ر.ک. ادامه مطلب). مورد دیگر، استفاده از فعل منفی (از جمله *ani kutun* «بهره‌مند نباشد/نداشته باشد») است.

الگوی کلی نفرین در کتیبه‌های مورد بررسی بدین‌گونه است: «هر کس که نام من و آنچه را ساخته‌ام آسیب رساند، باشد که نفرین خدا(یان) بر وی قرار گیرد. باشد که نام و فرزندی نداشته باشد». در ادامه به بررسی برخی کتیبه‌های شاهی ایلامی پرداخته می‌شود.

### نفرین در کتیبه‌های شاهی ایلامی

در کتیبه‌های شاهی ایلامی چند مورد وجود دارد که به کسانی که قصد آسیب رساندن به اثر مشخصی را داشته باشند اخطار داده می‌شود که در صورت اقدام به چنین عملی مورد نفرین (*hat*) خدا(یان) قرار خواهند گرفت. همچنین، در نوشته‌های شاهی ایلامی تأکید مداوم و مشخصی بر «تداوم نسل شاهی» وجود دارد. در بسیاری از کتیبه‌ها شاه نیت خود از بازسازی پرستشگاه و پیشکش کردن آن به خدا(یان) را داشتن زندگی نیک برای خود، همسر، فرزندان و آنهایی که در آینده خواهند آمد، بیان می‌کند.<sup>۱</sup> برای نمونه، آغاز کتیبه IRS 49 از شیلهک-اینشوشینک اول رونوشتی از کتیبه کهن‌تری از کوک-کیروش است.<sup>۲</sup> بنا بر این کتیبه سومری-اکدی، کوک-کیروش پرستشگاه کهن را بازسازی نکرد، بلکه /کی-کوان نا (*é.ki.kù.an.na*) را با دیواری نو از خشت خام مرمت کرد. «او (= کوک-کیروش) آن را برای زندگی‌اش بازساخت» (*nam.ti.la.ni.šè in.na.dím*). پس از آن متن ایلامی شیلهک-اینشوشینک می‌آید که بنا بر آن چون پرستشگاهی که کوک-کیروش ساخته بود در حال ویرانی بود، وی آن را بازسازی کرد و پس از یافتن نام کوک-کیروش و حفظ آن و افزودن نام خودش، پرستشگاه را برای زندگی خود، زندگی ناهونته-اوتو، و زندگی آیندگان‌شان بازسازی نمود. در پایان کتیبه، شاه کوک-کیروش را با عبارتی دعاگونه خطاب

---

۱ بهترین نمونه‌های ایلامی میانه، چهار کتیبه از شیلهک-اینشوشینک است که مالبران-لا با آنها را با عنوان کتیبه‌های «زندگی» (*takki.me*) بررسی کرده است (IRS 47-50). در این چهار کتیبه، شاه بسیاری از افراد خانواده درباری را نام می‌برد و برای زندگی ایشان نیایش می‌کند. البته موضوع «زندگی» محدود به این چهار کتیبه نیست. در واقع، در کتیبه‌های متعددی این موضوع مطرح شده که شاه برای زندگی خود، همسر، و خانواده‌اش اقدام به عمل مشخصی (عموماً باز) ساختن پرستشگاه و پیشکش کردن آن به یک یا چند خدا نموده است.

۲ گفتنی است که خود کتیبه کوک-کیروش نیز برجای مانده است (IRS 18).



قرار می‌دهد.<sup>۱</sup> می‌توان تصور کرد که چنانچه شخصی نام و آثار این دو حاکم را از میان می‌برد، چگونه یاد آنها و دانشی که آیندگان از ایشان به دست می‌آوردند، از میان می‌رفت.<sup>۲</sup> خطاب قرار گرفتن کوک-کیروش، تداوم حضور وی را در اندیشه دینی و سیاسی ایلامیان نشان می‌دهد. این همان موضوعی است که شاهان دیگر، در اینجا به طور خاص شیلهک-اینشوشینک، خواستار آن هستند.

در بیشتر نفرین‌ها بیش از یک ایزد فراخوانده می‌شوند تا از اثر مورد نظر محافظت نمایند. در آجرنوشته‌ای از چغازنبیل، نفرینی را می‌یابیم که نه تنها شخص خاصی بلکه فرزندان او را نیز شامل می‌شود. در این نوشته که به اونتاش-نپیریشه تعلق دارد، شاه از ایزدان نپیریشه،

---

۱ ترجمه این بخش از کتیبه به دلیل مشخص نبودن معنای برخی از واژگان با حدس و گمان همراه است. هینتس و کخ عبارت *e DISku-uk-ANkir-ma-áš me-el-ku me-te-ia ANin-su-uš-na-ak i ri-el sat-na x x* را اینگونه ترجمه کرده‌اند: «ای کوک-کیروش، شاهزاده پیروز، باشد که در این پرستشگاه به اینشوشینک برسی» (EW, s.v. *me-te-ya, ri-el*). مالبران-لا با (IRS, pp. 112, 114) ترجمه زیر را پیشنهاد می‌دهد: «ای کوک-کیروش، شاهزاده درگذشته، باشد که منتظر اینشوشینک، به عنوان میانجی، باشی». وی توضیح می‌دهد که اهمیت این نیایش پایانی برای کوک-کیروش در واقع نشان‌دهنده تأکیدی است که شیلهک-اینشوشینک بر جایگاه تمام حاکمان شوش قرار داده است. گریو-سوزینی (2014: 105) این عبارت را با تردید، «ای کوک-کیروش، شاهزاده بزرگ، بدین منظور، برای این (نگهداری از این پیشکش)، تو راه را می‌گشایی (?) (تحت‌اللفظی: تو به سوی اینشوشینک قدم در راه (?) می‌نهی)» ترجمه می‌کند؛ و این نکته را می‌افزاید که ترجمه «راه، مسیر» برای *riel* چندان مطمئن نیست. تاورنیه، فعل *satna* را از ریشه *sa* به معنی «وارد شدن» می‌داند. او این متن را «باشد که به پرستشگاه (جدید) اینشوشینک وارد شوی»، ترجمه می‌کند (Tavernier, 2011: 343).

۲ در کتیبه‌های شاهی ایلامی تأکید مشخصی بر حفظ نام شاه-سازندگان پیشین وجود دارد. بدین ترتیب، شاهان ایلامی نام بسیاری از پیشینیان خود را می‌دانستند. یکی از بهترین نمونه‌ها در این رابطه، EKI 48 §2-3 از شیلهک-اینشوشینک است. این پادشاه از ۲۵ فرد پیش از خود نام می‌برد که ۱۸ نفر ایشان از سازندگان پیشین هشدو (احتمالاً «گور») اینشوشینک بودند. نخستین ایشان «ایدادو، پسر خواهر هوتران-تپتی» است که باید میان او و شیلهک-اینشوشینک یک بازه زمانی حدود هزار ساله را در نظر گرفت.

اینشوشینک و کیریریشه می‌خواهد تا نفرین خود را بر کسی قرار دهند که قصد از میان بردن نام او و پرستشگاهی را که او ساخته دارد (EKI 9 III b §7-9):

*su-un-ki-ir pi-ti-ir a-ak ta-ri-ir ak-ka me-el-ka-an-ra ha-at-ta-an-ra a-ak la-an-si-ti-e du-un-ra-ra a-ak hi-iš<sup>DIŠ</sup>un-taš-<sup>ANGAL</sup>me su-ku-ša-ak i-me-ni a-ha-ar ta-an-ra ha-at<sup>ANGAL</sup>in-šu-uš-na-ak a-ak<sup>AN</sup>ki-ri-ri-ša si-ia-an ku-uk-pa ri uk-ku-ri-ir ta-ak-ni<sup>AN</sup>na-ah-hu-un-te ir-ša-ra-ra pa-ar a-ni-i ku-tu<sub>4</sub>-un*

«پادشاه دشمن و متخاصمی که [این پرستشگاه را] ویران و تخریب کند، و طلاهای آن را بردارد و کسی که پس از نابود کردن نام اونتاش-نپیریشه [نام] خود را اینجا قرار دهد، باشد که نفرین نپیریشه، اینشوشینک و کیریریشه [خدایان] سیان کوک بر وی قرار گیرد. باشد که زیر خورشید (= در جهان)<sup>۱</sup> فرزندی نداشته باشد»<sup>۲</sup>.

متن دیگری از همان دوره به همسر اونتاش-نپیریشه، یعنی شهبانو نپیر-آسو، تعلق دارد. این کتیبه بر مجسمهٔ برنزی نپیر-آسو که در سال ۱۹۰۳م از پرستشگاه نین هورسگ در آکروپول شوش به دست آمد، نقر شده است (برای نمونه ر.ک. Koch, 1998: 163). بنا بر این کتیبه (EKI 16 §3-6):

*ak-ka sa-al-mu-um-ú-me hu-ma-an-ra ak-ka hu-tu<sub>4</sub>-un-ra ak-ka tu<sub>4</sub>-up-pi-me me-el-ka-an-ra ak-ka hi-iš-ú-me su-ku-un-ra ha-at<sup>ANGAL</sup>in-šu-uš-na-ak-ri uk-ku-ri ir ta-ak-ni na-ah-hu-un-te ir-ša-ra-ra hi-iš a-ni pi-li-in pa-ar a-ni ku-tu<sub>4</sub>-un hi-ih<sup>AN</sup>pi-el-ti-ia na-pír ri-ša-ar-ra pi-uk-ku-pi-ip me-it-ki-ni*

۱ هلوک (8, fn. 272, 1965) با تردید این پیشنهاد را مطرح می‌کند که شاید عبارت *nahhunte iršarara* به معنای «یکی از مردان ناهونته بزرگ» باشد. هلوک در نهایت این احتمال را مطرح می‌کند که شاید باید میان *šara* در ایلامی هخامنشی و همین واژه در نوشته‌های کهن‌تر ایلامی از نظر معنایی تفاوتی قائل شد؛ بدین ترتیب که احتمالاً در ایلامی هخامنشی این واژه به معنای «بریدن، قطع کردن» و دارای معنای ثانوی «تقسیم کردن (مثلاً جیره)»، و در نوشته‌های کهن‌تر به معنی «زیر، پایین» باشد.

۲ همچنین ر.ک. MDP 41 32 از همین پادشاه. با وجود ایلامی بودن متن این آجرنوشته، نفرین پایانی آن به زبان اکدی است.

«هر کس مجسمه مرا تصاحب کند، هر کس آن را بشکند، هر کس این نوشته را پاک کند، هر کس نام مرا آسیب رساند، باشد که نفرین نپیریشه، کیریریشه [و] اینشوشینک بر او فرود آید. باشد که او نامی زیر خورشید نداشته باشد. باشد که او را فرزندی در جهان نباشد. باشد که نیروی بَلتیه، ایزد بزرگ بر آنان فرو آورده شود»<sup>۱</sup>.

در اینجا نیز، همانند آجرنوشته چغازنبیل، سه ایزد نپیریشه، کیریریشه و اینشوشینک به یاری فراخوانده می‌شوند تا با نفرین (*hat*) خود جلوی تخریب مجسمه (*salmu*)، کتیبه (*tuppi*) و نام (*hiš*) شهبانو را بگیرند. افزون بر «نفرین» این سه ایزد، شهبانو از نیروی دیگری (*hih*) یاد می‌کند که متعلق به ایزدبانو بَلتیه است. این عذاب نیز بر کسانی (به صورت جمع) فرومی‌آید که در نگهداری از اثر نپیر-آسو نکوشند.

در هر دو کتیبه بالا، واژه‌ای که «خورشید» ترجمه شده، ناهونته (*nahhunte*) است. ناهونته همچنین نام یکی از ایزدان ایلامی است. همانند شَمَش، خدای خورشید در میان‌رودان، ناهونته نیز با مفهوم عدالت و قانون مرتبط بود.<sup>۲</sup> گرچه امکان مکان‌یابی دقیق پرستشگاه ناهونته در شوش به دلیل پراکندگی آجرنوشته‌های به دست آمده چندان میسر نیست، اما ذکر «دروازه قانون/عدالت» (اکدی: *abul mišari*) بر یکی از آجرهایی که از ورودی موسوم به شاهی به دست آمده، احتمالاً به نقش ناهونته به عنوان خدای دادگر اشاره دارد (Steve, 1967: 54). این موضوع می‌تواند به این معنا باشد که اجرای نفرین خود بخشی از تحقق عدالت (به ویژه آن بخشی که اجرای آن خارج از حیطه قدرت شاه قرار دارد) است (ر.ک. Kitz, 2007: 618-619).

۱ مشخصاً واژه *hih* که در این کتیبه در جایگاه اسم قرار گرفته و با تردید «نیروی مجازات‌کننده» ترجمه شده، متفاوت از فعل اول شخص *hi-ih* به معنی «نیایش کردم» است. خاچیکجان (1998: 46) نشانه *ip* پیش از فعل پایانی را ضمیر تکراری (resumptive pronoun) جمع گرفته که به *hih* برمی‌گردد.

۲ گفتنی است که در نفرینی از ایدادو اول بر حوضچه‌ای آیینی که به پرستشگاه اینشوشینک پیشکش شده، تنها خدایان میان‌رودانی شَمَش، ایشتار و سین فراخوانده شده‌اند (Vallat, 1998: 336).

نکته مهم دیگر در کتیبه شهبانو ارتباط میان «نام» و «تخمه، فرزند» است. همان‌طور که پیشتر اشاره شد، «نام» در ظرفیت معنایی خود می‌تواند به معنای «فرزند» نیز باشد و در کاربردی استعاری، می‌توان مفهوم «شهرت» را نیز از آن برداشت کرد (Radner, 2005: 2). در کتیبه نیپر-آسو تأکیدی بر از میان رفتن نسل کسی که مجسمه و کتیبه آن را تصاحب کند یا از بین ببرد، به چشم می‌خورد.<sup>۱</sup> اهمیت حفظ نام در چندین کتیبه ایلامی مورد تأکید قرار گرفته است. برای نمونه، شوتروک-ناهونته (MDP 53 9 8-10) از ایزدبانو مَنزَت می‌خواند تا «شاهی که پس از من [خواهد آمد]» (*su-un-gir ak-ka<sub>4</sub> me-ru-ur-ra*)، کتیبه (*du-up-pi*) وی را که حاوی نام او و نیاکانش است را حفظ کند و آن را درون پرستشگاه نگه دارد.

در EKI 44a (و شماری کتیبه دیگر از جمله EKI 45) که نوشته‌ای از شیلهک-اینشوشینک اول، فرزند و یکی از جانشین دوم شوتروک-ناهونته، است، نوعی نفرین به چشم می‌خورد. در آغاز این کتیبه، اینشوشینک فراخوانده می‌شود. از میان عناوین و صفاتی که شاه برای این ایزد برمی‌شمرد دو مورد به‌ویژه جالب توجه‌اند. بنابراین کتیبه EKI 44a (1§)، اینشوشینک-*ba-ha-ri a-pu-un ma-an lu-uh-ha-an-ri ba-hi-ir hi-iš hu-li- ra pá-hi-ir su-un-ki-ip-ri* است. این عبارت را می‌توان «خدای اعطاکننده قدرت به ایشان! سرور بخشنده نام، نگاه‌دار پادشاهان» ترجمه کرد.

آنچه در این نوشته «اعطاکننده قدرت به ایشان» ترجمه شده، عبارت *apun man* است. گرچه می‌توان در ترجمه ارائه شده برای این عبارت تردید کرد، ولی با تجزیه عوامل سازنده آن و بررسی نظرات پژوهشگران دیگر، به نظر می‌رسد که این ترجمه اگر نه دقیق‌ترین، یکی از گزینه‌های قابل قبول باشد. واژه *apun* ضمیر سوم شخص جمع

۱ در آغاز این کتیبه نیز عبارت «من، نیپر-آسو، همسر اونتاش-نیپریشه» (*ú<sup>SAL</sup>na-pír-a-su ru-tu<sup>DIŠ</sup>un-taš-*) (AN<sup>GAL</sup>-ki) دو بار پشت سر هم آمده است که می‌تواند نشان‌دهنده نوعی تأکید باشد.

است. گریو-سوزینی (1977: 25) و مالبران-لایا (IRS, pp. 110-111) عبارت *man* را ترکیبی از دو فعل *ma.n* و *luhhu.n.ra* می‌دانند. *ra* پایانی در *luhhunra* می‌توان نشانه اسم عامل، و *n*- را نشانه صرف نوع سوم فعل دانست و بدین ترتیب *luhhu.n.ra* را «آن که *luhhu* می‌کند» دانست. گریو-سوزینی این عبارت را با *manra* در *hillanra* EKI 50 §3 قابل قیاس می‌داند و ترکیب *man luhhunra* را «آن که تصمیم می‌گیرد، آن که طرح می‌ریزد» ترجمه، و قید می‌کند که معنای پیشنهادی برای فعل دوم فرضی است (Grillot-Susini, 1977: 25). ترکیب *man luhhunra* در کتیبه‌های دیگر نیز به کار رفته است؛ برای نمونه در EKI 47 §1 و احتمالاً در EKI 74 §14 چنانچه نشانه آخر را که آسیب دیده است به صورت *-ra* بازسازی کنیم. مالبران-لایا (IRS, pp. 110-111) در این مورد نظریات گریو-سوزینی و استو (MDP 53, p. 40) را می‌پذیرد و هر دو واژه مورد بحث را فعل می‌داند. استو فعل *man* را از *ma-* به معنی «خواستن، قصد کردن» و *luhhan* را، به نقل از کونینگ، از *luhha-* به معنی «آفرینش، شکل دادن» می‌داند. افزون بر این، استو<sup>۱</sup>، این موضوع را مطرح می‌کند که شاید *appun* در این متن با *appuki* و *appuku* به معنای «پیشین، کهن» هم‌ریشه باشد و در نتیجه بتوان معنای اصلی «آغاز» و «اصل» را برای آن در نظر گرفت. بدین ترتیب، عبارت *apun man luhhunra* توسط برخی پژوهشگران «خالق تمام اینها» (EKI, p. 98)، «آنکه تصمیم (می‌گیرد و) اراده می‌کند و باشندگان را شکل می‌بخشد» (Grillot-Susini 1977: 19; MDP 53, p. 40) و «آفریننده نیاکان شاهزادگان تبار من» (IRS, p. 110) ترجمه شده است. اما همان‌طور که در بالا گفته شد، می‌توان در ترجمه‌های ارائه شده تردید کرد. نخست به این دلیل که شاید،

---

۱ استو این اطلاعات را در گفت‌وگویی با گریو-سوزینی به دست آورده است. با این‌همه، موضوع *appuka* را می‌توان، برای نمونه، در Grillot-Susini 1987: 67-69 و در نسخه به‌روزرشده همین کتاب، Grillot-Susini, 2008: 61، یافت.

دست کم در این متن، *man* نه یک فعل بلکه اسم باشد. کسانی که این واژه را فعل در نظر گرفته‌اند، *n* پایانی را شناسهٔ صرف نوع سوم می‌دانند. در حالی که شاید بتوان *n* را شناسهٔ اسمی دانست.<sup>۱</sup> در نتیجه به نظر می‌رسد «قدرت»، معادلی که هینتس و کخ (EW, s.v. *ma-a-an, ma-an*) با شک و تردید برای *man* پیشنهاد می‌دهند، پذیرفتنی‌تر از سایر ترجمه‌ها باشد؛ هرچند ایشان عبارت *apun man luhhunra* را «کسی که آنها را با قدرت؟ برکت می‌بخشد؟» ترجمه کرده‌اند.

«بخشندهٔ نام» نیز معادلی است که برای *hiš hulira* پیشنهاد می‌شود. همانند *Juhhu.n.r.a*، واژهٔ *hulira* را نیز می‌توان اسم عامل دانست؛ هرچند، دربارهٔ تقطیع نشانه‌ها و واژگان تردیدهایی وجود دارد. برخی عبارت مورد نظر را به صورت *hi-iš-(h)u-li-ra* به معنی «نام‌دهنده به ما» دانسته‌اند. لمبرت، این عبارت را شامل *hiš* «نام»، *hu* پسوند فعلی اول شخص جمع، و *li-ri* را به معنی «سرور، حاکم» می‌داند (ر.ک. EW, s.v. *hi-iš.hu.li-ra*). اگر *hu* را، به پیروی از لمبرت، نشانهٔ اول شخص جمع بدانیم، آنگاه می‌توان گفت ریشهٔ فعلی این عبارت *li* «دادن» است. به هر روی، یکی از نقش‌های اینشوشینک مرتبط با «نام» است. بدین ترتیب می‌توان گفت، ایزدی که نام می‌بخشد، در واقع زندگی و شهرت می‌بخشد.

در پایان همین کتیبه، شاه می‌گوید: *ak-ka<sub>4</sub> pu-lu-un-ri ki-ik mu-ru[n] a-ti-ra hi-iš a-ni ku-tu-un* «هر کس [آنچه را من ساختم] نابود کند در آسمان-زمین (= جهان) نامی نداشته باشد». این نفرین، با منفی کردن فعل *kutu-* «برخوردار بودن، محافظت

۱ *n*-شناسهٔ اسم غیر جاندار برای اشیاء، آثار ملموس، مکان‌ها و بناهاست. از سوی دیگر، *me-* برای ساخت اسم انتزاعی به کار می‌رود. گرچه این موضوع نیاز به بررسی دقیق‌تری دارد، اما شاید بتوان *n*- را بازماندهٔ پسوندی کهن با کارکردی کمی متفاوت دانست (همچنین ر.ک. EW, s.v. *ma-a-an*; Grilliot-Susini, 1987: 14).

کردن»، ارجاعی است به آغاز کتیبه که در آن اینشوشینک به‌عنوان ایزد بخشنده نام و قدرت<sup>۱</sup> به شاه/شاهان فراخوانده می‌شود.

در حالی که نداشتن فرزند یکی از کلیدواژه‌های نفرین‌هاست، شاه در کتیبه‌ای از «فرزند محبوب» خدایان سخن می‌گوید. می‌توان چنین برداشت کرد که ذکر این مورد تأکید بر مصیبتی است که بر آسیب‌رسانندگان به اثر وارد می‌شود؛ و یا بر عکس، نگاه‌دارندگان اثر از موهبت داشتن فرزند، همچون خدایان، بهره‌مند خواهند بود. برای نمونه، شیلهک-اینشوشینک اول در بخشی از کتیبه نسبتاً طولانی خود (EKI 45)، درباره ایزد هوتران می‌گوید: <sup>AN</sup>hu-ut-ra-an ru-hu ha-ni-ik <sup>AN</sup>ki-ri-iš-ša <sup>AN</sup>GAL-ri. «هوتران، پسر محبوب کیریریشه [و] نپیریشه» (EKI 45 §17).<sup>۱</sup> در همین نوشته، او در رابطه با بازسازی پرستشگاه اینشوشینک می‌گوید که شاهان پیش از وی آن را با خشت خشک‌شده در آفتاب (*halat*) ساخته و کتیبه<sup>۲</sup> (*pissi*) خود را در آن قرار داده بودند. چون این پرستشگاه در حال ویرانی بود، شیلهک-اینشوشینک آن را با آجر پخته‌شده (*erentum*) بازسازی نمود. در ادامه و در یک سری نفرین‌های پی‌درپی وی هشدار می‌دهد که هر کس نام او و دیگر پادشاهان را از میان ببرد و به جای آن نام خود را بنگارد، و هر کس آنچه را وی ساخته نابود کند، باشد که حمایت اینشوشینک را از دست دهد، و ایزدان هوتران، نپیریشه و کیریریشه او را هلاک کنند و او را فرزندی نباشد.

همان‌طور که پیشتر گفته شد، یکی از نفرین‌ها را می‌توان ادعایی سیاسی از جانب پادشاه به حساب آورد که موقعیت او را در امور سیاسی و نظامی همچنان پا بر جا نشان می‌دهد.

---

۱ قابل توجه است که در این کتیبه نام ایزدبانو کیریریشه به صورت *kirišša* ضبط شده در حالی که در جاهای دیگر معمولاً به صورت *kiririša* آمده است. در EKI 49 §7 «هوتران، پسر محبوب کیریشه (= کیریشه)، بانوی پنهان‌شده در لیان» فراخوانده می‌شود (برای صورت *kirišša* همچنین ر.ک. EKI 76 §36 در ادامه مطلب).

چنین نفرینی متعلق به کتیبه‌ای از هوتلودوش-اینشوشینک، در پایان سدهٔ دوازدهم، است. بنا بر این نوشته (30<sup>7</sup>-26<sup>7</sup> IRS 53):

*ANin-su-uš-na-ak ba-ti-ip du-ub-ba-áš-naha-at-ti DIS<sup>7</sup>hu-te-lu-du-uš-ANin-su-uš-na-ak-ni a-kí DIS<sup>7</sup>si-il-ha-ha ri uk-ku-ri ir ta-ak-na*

«باشد که اینشوشینک [او را] زیر پاهای [خود] نابود؟ کند. باشد که نفرین هوتلودوش-اینشوشینک و شیلهاها بر او فرود آید [کسی که آنچه را من ساخته‌ام تباه کند و نوشته/نام‌های موجود در پرستشگاه را از بین ببرد]».

در این کتیبه، افزون بر اینشوشینک، دو شخصیت تاریخی هستند که آسیب‌زندگان باید از نفرین و مجازات‌شان بترسند. نفر اول خود هوتلودوش-اینشوشینک و نفر دوم شیلهاها است.<sup>۱</sup> مقایسه‌ای با سایر نوشته‌ها که در آن تثلیثی از خدایان<sup>۲</sup> فراخوانده می‌شود، به خوبی نشان می‌دهد که هوتلودوش-اینشوشینک خود را در چه جایگاه رفیعی قرار داده است.

گرچه از خود شیلهاها تا کنون کتیبه‌ای شاهی به دست نیامده است، اما وی را از شمار دیگری مدارک تاریخی، از جمله اسناد حقوقی، می‌شناسیم. شیلهاها که احتمالاً در حدود سال ۱۸۸۰، یعنی در اوایل دوره سوکلمه<sup>۳</sup>، فعالیت داشت (De Graef, 2012: 527, 541)، در تاریخ ایلام از جایگاهی ویژه برخوردار است. نام وی در الگوی «پسرِ خواهرِ شیلهاها» (به ایلامی: *ruhu šak šilhaha*) تا حدود یک هزاره پس از وی به کار می‌رفت. به نظر می‌رسد که این الگو نوعی عنوان مشروعیت‌بخش بود که توسط برخی از فرمان‌روایان بعدی مورد

۱ برای مروری بر چنین توانی در شاهان در گذشته در رابطه با موارد حقوقی، از جمله ر.ک. Hinz, 1972: 105.

۲ برای نمونه نپیریشه-اینشوشینک-کیریریشه در آجرنوشتهٔ اونتاش-نپیریشه و نپیر-آسو، یا نپیریشه-کیریریشه-تپتی در کتیبهٔ هانی. برای کتیبهٔ هانی ر.ک. ادامهٔ مطلب.

۳ سلسله سوکلمه یا اپارتی در حدود سال‌های ۲۰۰۰ تا ۱۵۰۰ قدرت را در اختیار داشت؛ هرچند، آغاز و پایان این تاریخ تقریبی است. همچنین باید توجه داشت که نخستین سوکلمه‌ها هم‌زمان با آخرین فرمان‌روایان سلسله سیماشکی حکومت می‌کردند (از جمله ر.ک. De Graef, 2012). واژه سومری سوکلمه (*sukkal.mah*) را می‌توان «وزیر بزرگ» ترجمه کرد.



استفاده قرار می‌گرفت. در حالی که برخی پژوهشگران (از جمله De Graef, 2012: 536, fn. 35; 541) عبارت *ruhu šak šilhaha* را به معنی «فرزند مشروع شیلهاها» (و بدین ترتیب فرزند مشروع شاهان دیگری که در این الگو به جای شیلهاها قرار می‌گیرند) دانسته‌اند، پاتس (2018: 542-546) این موضوع را مطرح می‌کند که این عبارت کارکردهایی بیش از این داشته است. او از بررسی نمونه‌های موجود نتیجه می‌گیرد که گرچه احتمالاً لقب *ruhu šak* به منظور نشان دادن مشروعیت سلطنت، به ویژه برای شاهانی که فاصله زمانی بیشتری با شیلهاها داشتند، به کار می‌رفت، ولی محتمل به نظر می‌رسد که برای شاهانی که فاصله زمانی کمی با شیلهاها داشتند، (برای نمونه هوتران-تپتی و شیروکدوه) این عبارت به نوعی رابطه خونی واقعی اشاره داشته باشد. تا جایی که می‌دانیم، اتا-هوشو نخستین کسی است که خود را «فرزند مشروع شیلهاها» خوانده است (همچنین De Graef, 2012: 541; Potts, 2018: 541, fn. 131). بنابراین، احتمال دارد که وی واقعاً خواهرزاده شیلهاها بوده، و پس از حکومت اتا-هوشو این عبارت به عنوانی افتخارآمیز تبدیل شده باشد. مشکل بتوان دانست که اعتبار شیلهاها به دلیل چه اقدام یا نوآوری بوده؛ با این وجود می‌توان پنداشت که او آغازگر دوره جدیدی بوده که بر اساس آن دوره‌های بعدی مورد قضاوت قرار گرفته و شرایط «کنونی» ارزیابی می‌شده است (van Seters, 1983: 2; De Graef, 2012: 541). البته باید افزود که شیلهاها تنها شخصیتی نیست که مشروعیت از طریق «خواهر» وی منتقل می‌شد، ولی شخصی است که نامش بیش از دیگران در این ساختار تکرار شده است.<sup>۱</sup>

---

۱ گرچه پاتس (2018: 541) بیان می‌کند که نام شیلهاها در این فرمول «شش بار ظاهر می‌شود»، اما اگر نسخه بدل هاو نیز مجموعه مهرهای مکتوب را نیز به حساب آوریم، این عدد افزایش خواهد یافت. بدین ترتیب دست کم خواهیم داشت: اتا-هوشو (Sollberger 1968: 10-13; IRS 10-13)، تپتی-هالکی (IRS 15, 16)، کوک-ناشور (IRS 17, 49) و (var. 1)، تپتی-اهار (IRS 49 var. 2)، کوتیر-ناهوئته (IRS 49 var. 3)، هومبان-نومنا (IRS 38 var. 8b) و هوتلودوش-اینشوشینک (Vallat, 1978) به عنوان کسانی که «پسر خواهر شیلهاها» نامیده شده‌اند. دست کم دو

اینکه هوتلودوش-اینشوشینک در پایان سده دوازدهم خود را در کنار شیلهاها و در چنان جایگاه والایی قرار می‌دهد، نکته در خور تأملی است که احتمالاً به موقعیت متزلزل این پادشاه اشاره دارد. در واقع، چند دهه پیش از به قدرت رسیدن هوتلودوش-اینشوشینک، شوتروک-ناهونته سیاست خصمانه‌ای نسبت به بابل در پیش گرفت. این شاه ایلامی در یورش‌های خود آثار یادمانی (*suhmutu*) شاهانی چون نرام-سین (EKI 22)، ملی-شیحو (EKI 23) و احتمالاً همورایی (MDP 7, p. 28; Potts, 2016: 226, table 7.9) را پس از شکست و تسخیر سیپار و کارینتاش<sup>۱</sup> به دست آورد. افزون بر این، او تندیس‌های (*salmu*) مانیشتوسو را در اکد و اشنونا ضبط کرد (EKI 24 a,b).<sup>۲</sup> تمام این آثار به شوش منتقل شدند. پس از آن نوبت به پسر و جانشین او، یعنی کوتیر-ناهونته، رسید تا همین سیاست را در پیش گیرد. یکی از رویدادهای بزرگ در زمان کوتیر-ناهونته، سقوط سلسله کاسی و ضبط و ارسال مجسمه مردوک به شوش بود (ر.ک. Liverani, 2014: 366). پس از کوتیر-ناهونته برادرش شیلهک-اینشوشینک اول بر تخت شاهی نشست و پس از او نوبت به هوتلودوش-اینشوشینک رسید که هم‌عصر نبوکدنصر اول (۱۱۲۵-۱۱۰۴)، پادشاه بابل، بود. نبوکدنصر پس از دوره‌ای از بحران‌های سیاسی به شاهی رسید. از جمله کارهای او نبرد با ایلام بود. گرچه جزئیات برخی از این نبردها از خلال اسناد و مدارک چندان مشخص نیست، اما دست کم در یک نبرد ایلامیان متحمل شکست سختی شدند و نبوکدنصر موفق شد

---

مورد منحصر به فرد وجود دارد که در آنها، هومبان-اومنا (IRS 38 var. 8a) و کوک-ناشور (MDP 28 8) «پسر شیلهاها» و نه «پسر خواهر شیلهاها» نامیده شده‌اند. افزون بر اینها، دست کم سه مهر وجود دارد که حاوی عبارت «پسر خواهر شیلهاها» هستند. این مهرها متعلق‌اند به تپتی-مادا<sup>۳</sup> (MDP 43 2016)، تن-اولی (MDP 43 2330) و کوک-ناشور (Amiet 1973, no. 49).

<sup>۱</sup> به نظر می‌رسد که EKI 51 از شیلهک-اینشوشینک حاوی مطالبی درباره‌ی به اسارت گرفته شدن و تبعید شاه کارینتاش و خانواده‌ی او باشد.

<sup>۲</sup> نام پادشاه و مکانی که یک تصویر دیگر از آن ضبط شده آسیب دیده است (EKI 24 c).

مجسمه مردوک را باز پس گیرد (Frame, 1995: 11; Liverani, 2014: 461, 462). در یک متن نسبتاً آسیب‌دیده آشوری نو (Frame, 1995, B.2.4.5 8) که رونوشتی از کتیبه‌ای کهن‌تر است، نبوکدنصر از مردوک می‌پرسد: *a-di ma-ti EN TIN.TIR.KI ina KUR na-ki-ri áš-ba-a-ti* «چه مدت در سرزمین بیگانه اقامت خواهی کرد؟» در ادامه همین متن، مردوک در پاسخ به نبوکدنصر می‌گوید که وی را پشتیبانی خواهد کرد تا او را از ایلام به بابل برد. در کتیبه‌ای دیگر (Frame, 1995, B.2.4.11 i 40-43) که بر یک کودورو سنگی نگاشته شده و شرح معافیت ساکنان بیت-کرزیابکو از پرداخت مالیات به پادشاه دلاوری‌های شیتی-مردوک در طول نبرد با ایلام است، چنین آمده:

*i-na INIM <sup>d</sup>iš-tar ù <sup>d</sup>IŠKUR DINGIR.MEŠ EN.MEŠ MÈ ul-te-es-ḫi-irḫul-te-lu-diš LUGAL KUR ELAM.MA.KI i-te-mid KUR-šú ù LUGAL <sup>d</sup>AG-ku-dúr-ri-ÛRU it-ta-ši-iz i-na li-ti iṣ-ša-bat KUR ELAM.MA.KI i-iš-ta-lal NÍG.GA-ša<sup>1</sup>*

«به فرمان ایزدبانو ایشتار و آدد، خدایانی (که) سروران نبرد (هستند)، او (= شیتی-مردوک)، هولتلودیش (= هولتلودوش-اینشوشینک)، شاه ایلام را به هزیمت فرستاد (و) او (= شاه ایلام) ناپدید شد. آنگاه، شاه نبوکدنصر پیروزمندانه ایستاد؛ او سرزمین ایلام را تسخیر کرد (و) اموال آن را غارت نمود» (ترجمه برگرفته از Frame, 1995: 35).

با در نظر گرفتن این مدارک و با توجه به ضعف سیاسی و نظامی ایلام، می‌توان گفت که هولتلودوش-اینشوشینک با قرار دادن نام خود در کنار شیلهاها، آن هم در جایگاهی که در سایر کتیبه‌های شناخته شده معمولاً به خدایان اختصاص دارد، به نوعی «لاف‌زنی» روی آورده است تا جایگاه خود را همچنان والا و مستحکم نشان دهد، در حالی که در عمل شرایط به گونه‌ای دیگر بوده است. این پادشاه از سویی با قرار دادن نام خود در کنار شیلهاها

۱ نشانه‌های (determinative) مشخص‌کننده نام خدایان در کتیبه‌های غیرایلامی عمداً به صورت d (حرف نخست

(DINGIR) به کار رفته‌اند.

به ریشه‌های تاریخی و تداوم پادشاهی در ایلام اشاره می‌کند و از سوی دیگر، با قرار دادن خود در موقعیتی خداگونه، هر کس که تهدیدی برای جایگاه او باشد را به چالش می‌طلبد.

### نفرین در کتیبه‌های ایلامی نو

متون نفرینی را در دوره ایلامی نو نیز می‌توان یافت. برای نمونه، در کتیبه‌ای از شوترورو، نفرین بر «نام» شخص آسیب‌زننده قرار می‌گیرد: *hi-še AN nah-hu-un-te la-ha-áš-ni*. (EKI 74 §43). یکی از مهم‌ترین نمونه‌ها از دوره ایلامی نو را باید کتیبه هانی در نزدیکی شهر ایذه دانست. بررسی‌های باستان‌شناختی انجام شده در دشت ایذه منجر به کشف سایت‌ها و آثار متعددی شده که قدمت آنها تا هزاره سوم پیش از میلاد می‌رسد. تاریخ ایجاد مجموعه نقوش برجسته مورد نظر در اشکفت سلمان (چهار تصویر در دو طرف یک غار طبیعی و یک آبشار فصلی) حدود سده‌های ۱۲-۱۱، و تاریخ پیشنهادی برای مجموعه کول فرح (سه نقش برجسته بر دیواره کوه و سه تالاب دیگر بر سه تخته‌سنگ) حدود سده‌های ۹-۶ است (باید توجه داشت که تمام نقوش در یک زمان ایجاد نشده‌اند. برای بررسی این سایت‌ها و نقوش برجسته آنها از جمله ر.ک. -Álvarez (Mon, 2019).

هانی، احتمالاً حاکمی محلی (*kutur*) بود که از نقوش پیشین استفاده کرد و کتیبه خود را کنار آنها نگاشت. به گفته زایدل، «تاریخ ایجاد نقوش برجسته با کتیبه‌ها چند سده اختلاف دارد که تنها دلیل آن می‌تواند استفاده مجدد از تصاویر کهن‌تر توسط هانی باشد. با این وجود، [ایجاد] کتیبه‌های متأخر را می‌توان اشاره‌ای به اهمیت این مکان دانست» (زایدل، ۱۳۹۷: ۱۱). هانی نوشته‌های کوتاهی را به‌عنوان معرفی افراد به نقوش اضافه کرد. افزون بر این، نوشته نسبتاً طولانی در کنار نقش برجسته اشکفت سلمان ۳ این مطلب را بیان می‌کند که هانی تصویر خود، همسر و پسرش را به ایزبانویی به نام «مشتی» در مکانی به نام «تریشه»، که احتمالاً نام باستانی اشکفت سلمان باشد، پیشکش کرده است (زایدل، ۱۳۹۷:

Álvarez-Mon, 2019: 44-46; EKI 76 ؛۱۱) در کتیبه کول فرح ( EKI 75 §32; Hinz, 1962: 110-111)، به کسی که به نقش برجسته صدمه زند اخطار داده می‌شود: «باشد که نابود شود (*sukukna*)». در کتیبه اشکفت سلمان نیز (EKI 76 §36; Hinz, 1962: 116)، هانی از دچار شدن کسانی که به آثار آسیب زنند به نفرین نپیریشه، کیریریشه و تپتی می‌گوید:

HA<sup>ANGAL</sup>-na ki-ri-iš-šá-na<sup>AN</sup>te-ip-ti A<sup>MEŠ</sup> KI<sup>MEŠ</sup>ku-tu-iš-da-na [...] da-ak-ni  
باشد که نفرین نپیریشه، کیریریشه [و] تپتی، که آب و زمین را می‌پاید؟ [...] قرار داده شود». اگر تاریخ‌گذاری‌های پیشنهادی را بپذیریم، آنگاه نفرین‌های هانی کمی عجیب به نظر می‌رسد (همچنین ر.ک. Álvarez-Mon, 2019: 45-46). به نظر می‌رسد از آنجا که هیچ «نفرینی» از نقوش موجود محافظت نمی‌کرده، هانی این اجازه را به خود داده تا نوشته‌هایی را به آنها بیافزاید که به نوعی به دگرگونی هویت صاحبان و آفرینندگان اصلی آثار نیز منجر شده است.<sup>۱</sup>

اکنون شاید بتوان میان نفرین و کیتن (*kitin*) ارتباطی یافت. در نوشته‌های ایلامی از واژه کیتن طیفی از معانی برداشت می‌شود. این واژه که از دوره ایلامی کهن تا هخامنشی در کتیبه‌ها وجود دارد، در سنگ‌نبشته هانی در کول فرح نیز به کار رفته است. کیتن نیرویی جادویی بود که از طرف خدایان به حاکمان داده می‌شد. در حالی که به نظر می‌رسد نیرومندترین و مهم‌ترین کیتن از آن هومبن بوده باشد، در موارد حقوقی، به ویژه در شوش، کیتن اینشوشینک دست‌بالا را داشت (EKI 75 §6; Hinz, 1962: 106, 112; Hinz, 1972: 50-51). هانی در EKI 75 §6 می‌گوید:

---

۱ مدرکی وجود ندارد که هانی از هویت صاحبان اصلی این نقوش قدیمی آگاه بوده است (Álvarez-Mon, 2019: 46). از دیگر نفرین‌های ایلامی نو می‌توان به EKI 71 (نفرین پینیگیر)؛ EKI 73 B (یک متن آسیب‌دیده که به نظر می‌رسد چنین باشد: «... نفرین اینشوشینک و ... بر او قرار گیرد، زیر ناهوتنه بزرگ نامی نداشته باشد»؛ و EKI 89 (باشد که نفرین هومبن و خدایان محافظ؟ بر او قرار گیرد)).

<sup>AN</sup>hu-ban ri-šá-ir <sup>AN</sup>na-ap-pír-ra ki-tin-ir šà-ra-ir-ra ki-tin šil-ha-na

«کیتن بزرگ هوبن خدای بزرگ، کیتن نیرومند/نیروبخش»<sup>۱</sup>.

کیتن در اکدی به صورت *kidinnu(m)/kidennu(m)/kidīnu* ضبط شده و به معنی «حفاظت و مراقبت» است. در شوش، ابتدا به معنی «مراقبت ایزدی» برای شخص بود، ولی بعدها به‌عنوان امتیازی ویژه در ارتباط با امور شهرها و شهروندان آنها به کار رفت. در اسناد حقوقی شوش، نادیده گرفتن مفاد قرارداد یا پیمان به آن معنی بود که به کیتن اینشوشینک اهانت شده است؛ اهانتی که می‌توانست مرگ فرد را در پی داشته باشد (CAD, s.v. *kidinnu*; Frame, 1995: 22).<sup>۱</sup> هینتس و کُخ معادل «منع جادویی» و «قدرت ایزدی» را برای این واژه در نظر گرفته‌اند. ایشان همچنین آن را ابزاری در معاملات و قراردادها دانسته‌اند که علیه شخصی که مفاد قرارداد را نادیده انگارد، به کار گرفته می‌شد. به باور ایشان و در مفهوم یک تابو، کیتن همچنین به محوطهٔ پرستشگاهی که در آن نماد خدایان نصب بود، اشاره داشت (EW, s.v. *ki-di-en*; *ki-ti-en*). در نسخهٔ ایلامی کتیبهٔ دیوان خشایارشا (XPh)، کیتن به معنای «منع کردن، ممنوعیت» آمده است. بنا بر این کتیبه، خشایارشا کیتن را بر ستایش دیوان قرار داد (ر.ک. Cameron, 1959: 476).

کیتن، که احتمالاً بتوان آن را نوعی فرّهٔ ایزدی هم دانست، حافظ پادشاهان، پیمان‌ها و طرفین پیمان بود و لذا نادیده گرفتن مفاد پیمان باعث از دست دادن این نیروی نگهدارنده می‌شد که در موارد حقوقی و قراردادها می‌توانست مجازات، و در مورد پادشاه از دست رفتن تاج و تخت را در پی داشته باشد. چنانچه کیتن را در برابر نفرین قرار دهیم، می‌توان گفت که از دست دادن این نیروی ایزدی خود به معنی گرفتار شدن به عذاب خدایان بود.

<sup>۱</sup> اطلاعاتی مبنی بر اینکه نفرین‌ها در کتیبه‌های شاهی همراه با مجازات و تنبیه فیزیکی توسط دربار بوده است، وجود

### نتیجه‌گیری

بررسی کتیبه‌های شاهی ایلامی نشان می‌دهد که نام و ادامهٔ نسل کسی که به ساختهٔ دست پادشاه و نام او آسیب رساند، مورد نفرین خواهد بود. کارکرد دوم نفرین از آن ابزاری برای واکنش به شرایط بغرنج سیاسی و نظامی می‌سازد.

در توضیح کارکرد نخست باید گفت که نفرین‌ها شرطی را پیش می‌نهند مبنی بر اینکه داشتن زندگی نیک و تداوم نسل افراد (و به تعبیری جاودانگی) به شرطی محقق می‌شود که نام و یاد شاهان از میان برده نشود. در واقع، بررسی کتیبه‌ها نشان می‌دهد که نفرین تنها بر خود فرد خطاکار قرار نمی‌گیرد، بلکه فرزندان و ادامهٔ نسل وی نیز تهدید به عذاب، نابودی و فراموشی می‌شوند. از آنجا که نفرین برای شخصی دیگر را می‌توان نوعی درخواست غیرمستقیم موهبت برای خود دانست، لذا برخورداری از موهبت یا آسیب دیدن برای هر دو طرف به موازات هم اتفاق می‌افتد.

کارکرد دوم که کارکردی سیاسی است، پادشاه را در موقعیتی استوار نشان می‌دهد، در حالی که سایر اسناد تاریخی خلاف این موضوع را بیان می‌کنند. در یک مورد منحصر به فرد ایلامی که در دوره افول قدرت نظامی و سیاسی در اواخر سدهٔ دوازدهم نگاشته شده، به جای تثلیثی از خدایان، از یک خدا و دو پادشاه، یعنی ایزد اینشوشینک، شیلهاها و هوتلودوش-اینشوشینک، نام برده شده است. از آنجا که حکم نهایی نفرین‌ها در نهایت قطع زندگی است، فراخواندن دو حاکم یا شخصیت تاریخی به جای خدایان در این کتیبه بدان معناست که سرنوشت آسیب‌رسانندگان به اثر مورد نظر در اختیار شاهان قرار دارد. هرچند، بررسی دقیق‌تر شرایط تاریخی مشخص می‌کند که این ادعا نوعی واکنش روانی به شرایطی است که در آن پادشاه ایلام از همتای میان‌رودانی خود شکست خورده و اوضاع سیاسی چندان بر وفق مرادش نیست. او در اینجا از فرمان‌روایی به نام شیلهاها نام می‌برد که حدود یک هزاره پیش از وی می‌زیست و در تاریخ ایلام به شخصیتی کانونی تبدیل شده بود که در قالب الگوی «پسر خواهر شیلهاها»، به فرمانروایان پس از خود مشروعیت می‌بخشید.

## اختصارات

**CAD:** Chicago Assyrian Dictionary

**EKI:** König, Friedrich Wilhelm (1977). *Die elamischen Königsinschriften*. Archiv für Orientforschung Beiheft 16. Osnabrück, Biblio Verlag.

**EW:** Hinz, Walther, and Heidemarie Koch (1987). *Elamisches Wörterbuch*. Ergänzungsband 17. Berlin: Dietrich Reimer.

**IRS:** Malbran-Labat, Florence (1995). *Les inscriptions royales de Suse. Briques de l'époque paléoélamite à l'Empire néo-élamite*. Paris: Éditions de la Réunion des musées Nationaux.

**MDP 7:** De Morgan, Jacques, et al. (1905). *Recherches archéologiques*. MDP 7. Paris: Ernest Leroux.

**MDP 28:** Scheil, Vincent (1939). *Mélanges épigraphiques*, MDP 28, Paris: Ernest Leroux.

**MDP 41:** Steve, Marie-Joseph (1967). *Tchoga Zanbil (Dûr-Untash) III: Textes élamites et accadiens de Tchoga Zanbil*. MDP 41. Paris: Paul Geuthner.

**MDP 43:** Amiet, Pierre (1972). *Glyptique susienne des origines à l'époque des perses achéménides: cachets, sceaux-cylindres et empreintes antiques découverts à Suse de 1913 à 1967*, MDP 43. Vol. I: texte. Paris.

**MDP 53:** Steve, Marie-Joseph (1987). *Nouveaux mélanges épigraphiques. Inscriptions royales de Suse et de la Susiane*. Ville Royale de Suse 7, MDP 53. Nice: Editions Serre.

## کتاب‌نامه

بادامچی، حسین و احسان افکنده (۱۳۹۳). «از اَناتوم سومری تا اردشیر پارسی: نفرین در نبشته‌های شاهی میان‌رودانی و هخامنشی». *مطالعات تاریخ فرهنگی*. س ۵، ش ۱۹. صص: ۱-۲۱.



دارا، مریم (۱۳۹۷). «تنوع نگارش نفرین‌ها در طول زمان در سنگ‌نبشته‌های شاهی اورارتویی». در *زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم دکتر محمدجواد مشکور*. به کوشش کاوه خورابه، ولی‌الله محمدی، و نادره جلالی شیرازی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی. صص: ۲۰۹-۲۳۳.

دهرامی، مهدی و مجتبی فهیمی‌پور (۱۳۹۶). «آفرین و نفرین در آثار ایرانی باستان و میانه». *مطالعات ایرانی*. س ۱۶، ش ۳۱. صص: ۶۵-۷۹.

زایدل، اورسولا (۱۳۹۷). «یژه». در *از دیار خدایان* (مجموعه مقالاتی از متیو استولپر، خاویر آلوارز-مون، اریکا راینر، اورسولا زایدل، پیتر کالمایر و اریک دو وال). گردآوری و برگردان میلاد جهانگیرفر، و هما پاکدامن گوهری. تهران: سمیرا و میراث کتاب. صص: ۹-۱۷.

Álvarez-Mon, Javier (2019). *The Monumental Reliefs of the Elamite Highlands: A Complete Inventory and Analysis (from the Seventeenth to the Sixth Century BC)*. Pennsylvania: Eisenbrauns.

Amiet, Pierre (1972). *Glyptique susienne des origines à l'époque des perses achéménides: cachets, sceaucylinders et empreints antiques découverts à Suse de 1913 à 1967*. MDP 43. Vol. I: texte. Paris.

Amiet, Pierre (1973). "Glyptique élamite, a propos de nouveaux documents". *Arts Asiatiques*. Vol. 26. Pp: 3-45, 47-64.

Cameron, George G. (1936). *History of Early Iran*. Chicago: The University of Chicago Press.

Cameron, George G. (1959). "The "Daiva" Inscription of Xerxes: in Elamite". *Die Welt des Orients*. Vol. 2. No. 5-6. Pp: 470-476.

De Graef, Katrien (2012). "Dual power in Susa: chronicle of a transitional period from Ur III via Šīmaški to the Sukkalmas". *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*. Vol. 75. No. 3. Pp: 525-546.

De Morgan, Jacques, et al. (1905). *Recherches archéologiques*. MDP 7. Paris: Ernest Leroux.

Frame, Grant (1995). *Rulers of Babylonia from the Second Dynasty of Isin to the End of Assyrian Domination (1157-612 BC)*. Toronto/Buffalo/London: University of Toronto Press.

Grillot-Susini, Françoise (1977). Une inscription élamite de Šilhak-Inšušinak gravée sur le monument en bronze Sb 175 du Musée du Louvre. PhD Thesis.

Grillot-Susini, Françoise (1987). *L'élamite Éléments de grammaire*. Paris: Éditions Recherche sur les Civilisations (avec la collaboration de Claude Roche).

Grillot-Susini, Françoise (2008). *L'élamite Éléments de grammaire*. Paris: Geuthner.

Grillot-Susini, Françoise (2014). "De vie à trépas", in *Extraction & Control (Studies in Honor of Matthew W. Stolper)*, Chicago: The Oriental Institute of the University of Chicago, pp: 105-107.

Hallock, Richard T. (1965). "The Verb *šara-* in Achaemenid Elamite". *Journal of Near Eastern Studies*. Vol. 24.No. 3.Pp: 271-273.

Hinz, Walther (1962). "Die elamischen Inschriften des Hanne", in *A Locust's Leg: Studies in Honour of S. H. Taqizadeh*, Henning, Walter. B., and Ehsan Yarshater (eds.), London: Percy Lund, Humphries & Co. Pp: 105-116.

Hinz, Walther (1972). *The Lost World of Elam: Re-creation of A Vanished Civilization*. Translated by J. Barnes. London: Sidgwich & Jackson.

Hinz, Walther; Koch, Heidemarie (1987). *Elamisches Wörterbuch*. Ergänzungsband 17. Berlin: Dietrich Reimer.

Khačikjan, Margaret (1998). *The Elamite Language*. Rome: Instituto per Gli Studi Micenei ed Egeo-Anatolici.

Kitz, Anne Marie (2007). "Curses and Cursing in the Ancient Near East". *Religion Compass*. Vol. 1.No. 6.Pp: 615-627.

Kitz, Anne Marie (2013). *Cursed Are You! The Phenomenology of Cursing in Cuneiform and Hebrew Texts*. Pennsylvania: Eisenbrauns.

Koch, Heidemarie (1998). "Napir-asu". *Reallexikon der Assyriologie und vorderasiatischen Archäologie*. Vol. 9.No. 1-2.P: 163.

König, Friedrich Wilhelm (1977). *Die elamischen Königsinschriften*. Archiv für Orientforschung Beiheft 16. Osnabrück: Biblio Verlag.

- Lambert, W. G. (2013). *Babylonian Creation Myths*. Winona Lake: Eisenbrauns.
- Liverani, Mario (2014). *The Ancient Near East: history, society and economy*. Translated by Soraia Tabatabai. Abingdon/New York: Routledge.
- Malbran-Labat, Florence (1995). *Les inscriptions royales de Suse. Briques de l'époque paléoélamite à l'Empire néo-élamite*. Paris: Éditions de la Réunion des musées Nationaux.
- Potts, Daniel T. (2016). *The Archaeology of Elam: Formation and Transformation of an Ancient Iranian State*. 2<sup>nd</sup> edition. New York: Cambridge University Press.
- Potts, Daniel T. (2018). "The epithet 'sister's son' in ancient Elam. Aspects of the avunculate in cross-cultural perspective", in *Grenzüberschreitungen Studien zur Kulturgeschichte des Alten Orients. Festschrift für Hans Neumann zum 65. Geburtstag am 9. Mai 2018*, Kleber, Kristin, Georg Neumann, Susanne Paulus (eds.), Altorientalistische Publikationen 5, Münster: Zaphon. Pp: 523-555.
- Radner, Karen (2005). *Die Macht des Namens. Altorientalische Strategien zur Selbsterhaltung*. Wiesbaden: Harrassowitz Verlag.
- Scheil, Vincent (1931). "Dynasties élamites d'Awam et de Simaš". *Revue d'Assyriologie et d'Archéologie Orientale*. Vol. 28. No. 1. Pp: 1-8, 46.
- Scheil, Vincent (1939). *Mélanges épigraphiques*. MDP 28. Paris: Ernest Leroux.
- Sollberger, Edmond (1968). "A Tankard for Atta-hušu". *Journal of Cuneiform Studies*. Vol. 22, No. 2. Pp. 30-33.
- Steve, Marie-Joseph (1967). *Tchoga Zanbil (Dûr-Untash) III: Textes élamites et accadiens de Tchoga Zanbil*. MDP 41. Paris: Paul Geuthner.
- Steve, Marie-Joseph (1987). *Nouveaux mélanges épigraphiques. Inscriptions royales de Suse et de la Susiane*. Ville Royale de Suse 7. MDP 53. Nice: Editions Serre.
- Tavernier, Jan (2011). "Élamite: analyse grammaticale et lecture de texts". *Res Antiquae*. Vol. 8, No.1. Pp. 315-350.

- Tavernier, Jan (2016). “Elamite *suku-*”. *Irancai Antiqua*. Vol. 51. Pp: 141-147.
- Tavernier, Jan (2018). “The Elamite language”. in *The Elamite World*, Álvarez-Mon, Javier, Gian Pietro Basello, Yasmina Wicks (eds.), London/New York: Routledge. Pp: 416-449.
- Vallat, François (1978). “Une brique élamite de Hutelutush-Insushnak”. *DAFI*. Vol. 8. Pp: 97-108.
- Vallat, François (1998). “Elamite Religion”. in *Encyclopædia Iranica*. Vol. VIII. Pp: 335-342.
- van Seters, J. (1983). *In Search of History. Historiography in the Ancient World and the Origins of Biblical History*. New Haven/London: Yale University Press.

## “Curse” in Royal Elamite Inscriptions

Milad Jahangirfar\*

Iraj Dadashi\*\*

Seyyed Saeed Seyyed Ahmadi Zavieh\*\*\*

### Abstract:

This paper studies “curse” and “cursing” in Middle and Neo-Elamite royal inscriptions. In general, curses put forth a condition ignoring which would invoke an outside power, usually of a deity, to mete out punishment to any malefactor. Thus, this research has two main objectives: first, to study the elamite curses concerning the preservation of royal “names”; second, to show how a specific curse was formulated to uplift the position of Huteluduš-Inšušinak, a middle elamite king in the late twelfth century BC.

It makes clear that “curse” was mainly used to preserve the “name” of kings and queens. The “name” not only identifies a person, but in a more general sense it also conveys “offspring” and “continuity”. This study shows how the king asks the gods to preserve his name as well as his descendants. Indeed, a “curse” would assure the sovereign that his name, memory and the royal line would survive all possible damages and threats, and thrive in the future. Huteluduš-Inšušinak suffered a series of devastating attacks commanded by Nebuchadnezzar. Other historical documents point out that the elamite power was on the wane during the reign of this elamite king. Nonetheless, he issued a curse that invoked one god and two historical figures, instead of invoking a group of deities.

**Keywords:** curse, deterrent, royal inscriptions, middle elamite, neo-elam

---

\* PhD candidate, Art Research Department, Tehran Art University, Tehran, Iran.  
jahangirfar\_milad@ymail.com

\*\*Assistant Professor, Art Research Department, Tehran Art University, Tehran, Iran,  
corresponding author. dadashi@art.ac.ir

\*\*\*Associate Professor, Art Research Department, Tehran Art University, Tehran, Iran.  
szavieh@art.ac.ir

